



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مبارزات سیاسی
امام حسین علیه السلام
در زمان معاویه

عباس کوثری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبارزات سیاسی امام حسین (علیه السلام) در زمان معاویه

نویسنده:

عباس کوثری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مبارزات سیاسی امام حسین علیه السلام در زمان معاویه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	اعلام منشور ولایت در سرزمین منا
۱۰	اعتراض به ولایت عهدی یزید
۱۱	افشای جنایات معاویه
۱۳	یادآوری رسالت ها
۱۶	تأکید بر استمرار برائت
۱۷	پاورقی
۱۸	درباره مرکز

مبارزات سیاسی امام حسین علیه السلام در زمان معاویه

مشخصات کتاب

عنوان: مبارزات سیاسی امام حسین (ع) در زمان معاویه

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

عباس کوثری (پدیدآور)

ناشر: عباس کوثری

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام

سیره امامان

سفینیان

تاریخ موضوعی (اسلام)

مقدمه

امام حسن (ع) در اثر توطئه ای شوم که از سوی معاویه تدارک دیده شد به شهادت رسید و جلوه های شکوهمند امامت در دیگر یادگار فاطمه و علی علیهما السلام متجلی گشت. استبداد اموی جهت عدم امامت راستین و یاران دلباخته آن عزم را دوچندان کرد و با تهدید و ارباب و ترفندهای عوامفریبانه به نابودی مکتب و راه امام علی و فرزندانش علیهم السلام همت گماشت. بدین جهت، رهبری و هدایت امت شرایط دشوار و طاقت فرسایی یافت. دوران دهساله امامت ابی عبدالله (ع) بیانگر مواضع و برنامه های آن حضرت در مقابل این تحولات است که پیامها و درسهای ارزشمندی را فرا راه عاشقانش قرار می دهد و از سوی دیگر، سیره اخلاقی تربیتی آن بزرگوار را از ذخائر ارزشمند جهان اسلام و از بایسته های پژوهشی است که بخش مهمی از آن ظهور و درخشش همین دوران مبارک است. نوشته حاضر نگاهی است اجمالی به یکی از مواضع و ابعاد زندگی سیاسی آن حضرت با عنوان مبارزات امام حسین (ع) در دوران معاویه که محورهای زیر بیانگر جوانب آن می باشد.

اعلام منشور ولایت در سرزمین منا

شیعیان امام علی (ع) روزهای سختی را در حکومت معاویه سپری می کردند. تعداد زیادی از آنان توسط معاویه به شهادت رسیده و بسیاری دیگر فراری یا منزوی و در اضطراب و نگرانی به سر می بردند. در منابر و اجتماعات اهانت به امام علی (ع) به صورت رسمی رواج یافته بود و دلهای عاشقان و دوستداران امیرمومنان را سخت جریحه دار کرده بود. اکنون دیدگان به سوی امام حسین (ع) دوخته شده و منتظر رهنمودها و دستورهای آن حضرت است تا این سکوت مرگبار را بشکنند و راهی

به سوی افقهای حقیقت بگشایید. امام حسین (ع) همراه عبدالله ابن عباس و عبدالله ابن جعفر حج می گذارد. در سرزمین منی فرصتی دست می دهد تا امام (ع) از اصحاب پیامبر و شیعیان و نیک مردان انصار دعوت کند و حقایق را برای آنان بازگو کند. بیش از هفتصد تن گرد امام اجتماع می کنند که دوستان نافر آنان از اصحاب پیامبرند. حضرت پیا خاست و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «این تجاوزگر (معاویه) بر ما و شیعیان ما سختیها و ناملایماتی روا داشته است که خود دانسته و دیده اید یا به شما رسیده است. می خواهم از شما درباره حقیقتی جو یا شوم. اگر راست گفتم، آن را تصدیق کنید و در صورتی که خلاف گفتم، مرا تکذیب کنید. سخنم را بشنوید و گفتارم را بنویسید. سپس هنگامی که به سوی شهرها و قبایل خویش بازگشتید، هر آن کس را که مورد وثوق و اطمینان دانستید به آنچه از حقوق ما می دانید، دعوت کنید. من از آن می ترسم که حق ولایت از بین رود و مغلوب گردد، اگرچه خدا نور خویش را به رغم خواست کافران، غالب خواهد گردانید.» سپس آنچه از قرآن و سنت پیامبر (ص) درباره پدر و مادرش و اهل بیت (علیهم السلام) بود، برای آنان قرائت کرد. همگی گفتند: «اللهم نعم قد سمعنا و شهدنا»؛ همین طور است ما خود شنیدیم و افراد مورد اعتماد برای ما آنچه فرمودید، نقل کردند. سپس حضرت فرمود: «شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید که پیامبر (ص) علی (ع) را در غدیر خم به امامت منصوب کرد و مردم را به ولایت او فرا خواند و دستور

داد که این پیام را حاضران به غایبان برسانند؟» همگی گفتند: «بلی ما شنیدیم.» [۱]. بدین ترتیب، امام (ع) در آن اجتماع بر حقیقت امامت تاکید ورزیده و رسالت و مسوولیت خواص را برای ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و مبارزه با استبداد اموی ترسیم کرد. سخنانی حضرت در مسجد پیامبر (ص) نیز در همین راستا است. مرحوم مجلسی می نویسد: به معاویه گفتند: دیدگان به سوی حسین (ع) است. کاری کن که او منبر رود و خطابه ایراد کند؛ از چشم مردم خواهد افتاد؛ زیرا توانایی خطابه ندارد. معاویه گفت: این را درباره برادرش حسن ابن علی تجربه کردم، به رسوایی ما منجر شد. سرانجام اصرار زیاد مردم باعث شد از امام حسین (ع) بخواهد به منبر رود و با مردم سخن بگوید. حضرت سخنانی خود را با حمد و ثنای الهی آغاز کرد. در این حال مردی گفت: کیست که خطابه می کند؟ حضرت فرمود: ماییم حزب پیروز الهی و عترت رسول خدا که نزدیکترین فرد به او هستند و اهل بیت پاکیزه او و یکی از دو چیز گرانبها که عدل قرآن قرار داده شده، همان کتاب که باطلی از پیش رو و پشت سر او راه نمی یابد، آگاه به تاویل قرآن و روشنگر حقایق آن هستیم. ما را اطاعت کنید که اطاعت ما واجب است؛ زیرا اطاعت ما مقرون به اطاعت خدا و رسول او گشته است. خداوند متعال می فرماید: «اطاعت کنید خدا و رسول او و صاحب فرمان از خودتان را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید. اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این

برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.» [۲]. و فرموده: «هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، آن را شایع می سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند. بازگردانند از ریشه های مسایل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی همگی از شیطان پیروی می کردید.» [۳]. شما را برحذر می دارم از این که به ندای شیطان گوش فرادهید؛ زیرا شیطان دشمن آشکار شما است. و در آن صورت از دوستان شیطان خواهید شد. دوستانی که شیطان به آنان می گوید: امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد و من همسایه شما هستم اما هنگامی که دو گروه (کافران و مومنان مورد حمایت فرشتگان در جنگ بدر) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم. [۴] که در این صورت «مثل کافران جنگ بدر» مورد ضربه شمشیرها و نیزه ها «از سوی ملائکه» قرار خواهید گرفت و در آن هنگام ایمان فردی که از پیش ایمان نیاورده است یا کار نیکی را انجام نداده است نفعی به او نخواهد رساند. در این موقع، معاویه گفت: «حسبک یا اباعبدالله فقد ابلغت»؛ کافی است ای اباعبدالله، حق سخن را ادا کردی. [۵].

اعتراض به ولایت عهدی یزید

معاویه تصمیم به ولایتعهدی یزید گرفت. راهی حج شد؛ به مدینه آمد و از مردم برای او بیعت گرفت. سپس منبر رفت و یزید را این چنین ستود: یزید دانا به سنت و قرآن شناس است و حلم و بردباری اش بر سنگهای سخت افزون است. امام حسین (ع) برخاست و پس

از ستایش خدا و درود بر پیامبر (ص) فرمود: هرگز سخنوری هر چند سخن به تفصیل گوید نتوانسته است حق اندکی از صفات ممتاز پیامبر (ص) را ادا کند. ای معاویه! از واقعیت دور مانده ای، سپیده صبح تاریکی شب را رسوا ساخته و نور خورشید پرتو روشنایی چراغ را بی فروغ ساخته است. در برتری برخی سخن به زیاده گفتمی و در گزینش عده ای حق دیگران را ضایع کردی و از بیان فضیلت صاحبان آن بخل ورزیدی و بیش از حد ستم روا داشتی. نشد که اندکی از فضیلت صاحبان حق را پردازی و در همان حال شیطان بهره فراوان و نصیب کامل خویش را برنگیرد. دانستم آنچه درباره یزید از سیاستمداری و کمالش گفتمی، می خواهی مردم را با این سخنان به اشتباه اندازی. گمان می کنی انسانی ناشناس و دور از چشم مردم را تعریف می کنی و از آنچه فقط خودت به آن دست یافته ای، خبر می دهی. «فخذ لیزید فیما اخذ به من استقرائه الکلاب المتهاذثه عند التحادش و الحمام السبق لا ترابهن و القیناث ذوات المعازف و ضروب الملاهی تجده ناصرا»؛ و همین کارهایی که یزید کرده، بگیر؛ همین که سگان را به حال پارس و گلاویزی می خواند و کبوتران بازی را به سوی همقطارانش و نیز کنیزکان آوازه خوان و انواع بیهوده گری و هوس بازی هایش کافی است که تو را در وصف خویش یاری کرده باشد. سپس فرمود: قصدی را که برای ولایتعهدی یزید داری فروگذار و رها کن، چه نیازی داری که افزون بر همه کارهای بدی که کرده ای با این گناه نیز خدا را ملاقات کنی. [۶].

افشای جنایات معاویه

جهت دیگری که بیانگر مبارزات

آن حضرت است نامه ای است که در آن جنایات معاویه و ستمگری هایش شمارش کرده، حکومت معاویه را فتنه ای سهمگین بر امت قلمداد می کند. قسمتی از آن چنین است: مگر تو نبودی که حجر و یاران عابد و خاشع حق را کشتی، همانان که از بدعت ها نگران و بی تاب می گشتند و امر به معروف و نهی از منکر می کردند؟ آنان را پس از تعهدات محکم و تضمین های مطمئن به طرز ظالمانه و تجاوزکارانه کشتی، در برابر خدا گستاخی ورزیدی و عهد و پیمان الهی را سبک شمردی. مگر تو قاتل عمرو ابن الحمق نیستی، همان که از زیادی عبادت صورت و پیشانی اش پینه بسته بود؟ او را پس از تعهدات و تضمین هایی کشتی که اگر به حفاظت شدگان در کوهساران داده می شد، از قله های آن فرود می آمدند. مگر تو نیستی که زیاد را در دوره اسلام به خویشتن منسوب گردانیدی و او را پسر ابی سفیان قلمداد کردی، با این که رسول خدا (ص) حکم کرده که فرزند متعلق به بستر(پدر و مادر) است و پاداش مرد زناکار را سنگ است. آنگاه او را بر مسلمانان مسلط ساختی تا آنان را بکشد و دست و پایشان را قطع کند و بر تنه درخت به دارشان آویزد؟ پناه بر خدا، ای معاویه! گویا تو از این امت نیستی و ایشان از تو نیستند. مگر تو آن خضرمی را نکشتی که این زیاد درباره او به تو گزارش داده بود دارای دین علی (ع) است؛ و دین علی (ع) همان دینی است که پسر عمویش (ص) بر آن بود؛ همان دینی که تو به نامش به این مقام نشسته ای؛ و اگر

دین او نبود، بالاترین افتخارات تو و اجدادت کوچهای تابستانی و زمستانی آنان بود و خدا به واسطه ما برای این که نعمتی گران ببخشد، سختیهای آن را از دوشتان برداشت. به من گفته ای که این امت را به فتنه مینداز. من فتنه ای سهمگین تر از حکومتت بر امت نمی یابم؛ و نیز گفته ای: به مصلحت خویش و دین و امت محمد (ص) بیندیش. به خدا قسم، کاری بهتر از جهاد علیه تو نمی شناسم. بنابراین، هر گاه به انجام آن اقدام کنم، مایه تقرب به پروردگار من است و در صورتی که به انجامش نپردازم، از خدا برای حفظ دینم آموزش می طلبم و از او توفیق انجام آنچه او دوست می دارد و می پسندد، خواستارم. سپس حضرت در ادامه می فرماید: بدان که خدا را دیوانی است که هر کار کوچک و بزرگ به حساب می کشد و شمارش می کند. بدان که خدا فراموش نمی کند که تو به مجرد گمان افراد را می کشی و به محض وارد آمدن اتهامی دستگیر می سازی و پسری را به حکومت نشانده ای که باده می نوشد و سگبازی می کند، تو را می بینم که خویشتن به گناه و عذاب در انداخته ای و دینت را تباه کرده ای و رعیت را ضایع ساخته ای. [۷].

یادآوری رسالت ها

استبداد اموی جامعه اسلامی را دچار فساد و رکود کرده، زمینه تجاوز و ستمگریهای بیشتر آنان گشته بود. هشدار به جامعه و یادآوری رسالتها و مسوولیتهای سنگین آنان از ضرورت های فوری آن بود؛ و چه فردی شایسته تر از ابی عبدالله الحسین (ع) و چه موقعیتی والاتر از حج. بر این اساس، حضرت در اجتماع شکوهمند مردم در سرزمین منی به سخنرانی پرداخت و وظیفه امر به معروف و

نهی از منکر را به مردم و دانشمندان یادآور شد. حضرت در آغاز درباره اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر فرمود: ای مردم! از آنچه خدا بدان اولیای خود را پند داده، پند گیرید مانند بد گفتن او از دانشمندان یهود، آنجا که می فرماید: چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود آنان را از گفتار گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ چه زشت است عملی که انجام می دادند. [۸]. و نیز فرموده است: کافران بنی اسرائیل بر زبان داود وعیسی ابن مریم، لعن و نفرین شدند. این به خاطر آن بود که گناه و تجاوز می کردند. تا آنجا که فرمود: چه بدکاری انجام می دادند. [۹]. خداوند آنها را بدین خاطر نکوهش کرده که از ستمکارانی که میان آنها بودند، کار زشت و فساد می دیدند و آنها را نهی نمی کردند؛ زیرا در مال آنان طمع داشته و از قدرت آنان می ترسیدند با این که خداوند می فرماید: از مردم نترسید و از من بترسید. [۱۰]. سپس عالمان را مورد خطاب قرار داده، می فرماید: شما ای جماعت که معروف به دانش و نامور به خوبی و معروف به خیرخواهی هستید و به وسیله خدا در دل مردم مهابتی دارید؛ شرافتمند از شما حساب می برد و ناتوان شما را گرامی می دارد... من می ترسم عذابی از عذابهای الهی بر شما فرود آید؛ زیرا شماها از کرامت خدا به منزلتی رسیدید که بر دیگران برتری یافته اید. بندگان مؤمن به خدا، گرامی داشته نمی شوند ولی شما به خاطر خدا در میان بندگان الهی ارجمندید. این در حالی است که می بینید که پیمانهای خدا شکسته شده و هیچ عکس العمل و هراسی

به خود راه نمی دهید. برای یک نقض تعهد پدران خویش بی تابی می کنید با این که تعهد رسول خدا خوار و بی مقدار شده، کورها و لاله‌ها و زمین گیرها در همه شهرها بی سرپرست مانده و بر آن‌ها ترحم نمی شود، شما به اندازه مقام و درخور مسوولیت خویش کار نمی کنید و در مقابل کسی که اقدام می کند خضوع نمی کنید. برعکس به سازش و مسامحه با ظالمان خود را آسوده خاطر می دارید با این که خداوند شما را فرمان داده که از کار خلاف باز ایستید و دیگران را نیز نهی کنید؛ اما شما غافلید. مصیبت شما از همه مردم بزرگتر است؛ زیرا در حفظ مقام علما و دانشمندان ناتوان شدید. کاش کوشش می کردید. علت این ناتوانی این است که جریان امور و احکام به دست دانشمندان الهی است که امین بر حلال و حرام اویند؛ ولی این مقام از شما گرفته شده است. بدین جهت، که شما از حق متفرق شدید و درباره روش پیغمبر با وجود دلیل روشن دچار اختلاف شدید. اگر بر اذیت و آزارها شکبیا بودید و در راه خدا مشکلات را متحمل می شدید، زمام امور الهی به شما برمی گشت و از طرف شما دستور آن صادر می گشت و به سوی شما باز می گشت؛ اما برعکس شما خودتان ستمگران را به جای خویش جای دادید و امور الهی را به آنها وا گذاشتید تا به شبهه کارکنند و به شهوت‌ها و میلهای نفسانی خویش حرکت کنند. علت سلطه ستمگران گریز شما از مرگ و خوش بودنتان به زندگی دنیا است که از شما جدا خواهد شد. [۱۱]. اما متأسفانه این فریادها و خروشهای الهی

برجان و قلب های غافل کارگر نیفتاد و دوباره هرکس به اندیشه دنیایی خویش مشغول و کارهای روزمره خویش را استمرار بخشید و چنان شد که بنی امیه احکام الهی را تعطیل کردند؛ نیکمردان تنها مانده میدان را به شهادت رساندند و تاریخ را برای همیشه سوگمند از بین رفتن حق و عدالت و حاکمیت امامت راستین ساختند.

تأکید بر استمرار برائت

معاویه به مروان که از کارگزاران حکومتی او بود، نامه نوشت و از او خواست دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید خواستگاری کند. عبدالله تصمیم درباره این موضوع را به دایی فرزند خویش امام حسین (ع) واگذار کرد. امام فرمود: از خداوند خواستارم که مورد پسندی از آل محمد را برای دختر عبدالله برگزیند. همگی در مسجد اجتماع کردند. مروان در حضور مردم گفت: امیرمومنان معاویه به من دستور داده که هر قدر از مهر را که پدرش بگوید، قبول کنم و تمامی بدهکاری پدرش را پردازم. افزون آن که صلح بین دو فامیل نیز برقرار خواهد شد. امام حسین (ع) پس از حمد و ثنای الهی و بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ داد: این که گفתי مهرش هر قدر باشد، معاویه قبول کرده، سوگند به جان خود که در صورت تصمیم، ما بر مهر السنه چیزی اضافه نمی کنیم. و این سخن که بدهکاری پدرش هر چه باشد، پرداخت می کند، هیچ گاه زنان ما بدهکاریهای ما را نپرداخته اند؛ و اما مصالحه و سازش، ما افرادی هستیم که به خاطر خدا با شما دشمنی کردیم و برای دنیا با شما صلح نخواهیم کرد. خویش نسبی نتوانسته است مانع از این کار شود تا چه رسد به ازدواج و خویشی سببی. سپس

حضرت دختر عبدالله را به عقد قاسم ابن محمد بن جعفر درآورد و باغی که خود در مدینه و به نقلی در سرزمین عقیق داشت. به دختر خواهر خویش بخشید. [۱۲].

پاورقی

[۱] الغدير، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

[۲] نساء، آیه ۵۹.

[۳] همان، آیه ۸۳.

[۴] انفال، آیه ۴۸.

[۵] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

[۶] الغدير، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ و استفاده از ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

[۷] الغدير، ج ۱۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ و استفاده از ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

[۸] مائده، آیه ۶۳.

[۹] همان، آیات ۷۸ و ۷۹.]

[۱۰] همان، آیه ۴۷.

[۱۱] تحف العقول، ص ۲۴۰، کلمات امام حسين(ع).

[۱۲] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۷.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

